

بررسی آثار تربیتی - اخلاقی سنت آزمایش از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

حسن مددخانی / دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت مربی اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

soleimani@qabas.net

جواد سلیمانی / دانشیار گروه تاریخ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

smrmn1346@gmail.com

سیدمحمد رضا موسوی نسب / استادیار گروه اخلاق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

چکیده

سنت آزمایش، یکی از سنت‌های الهی است که خداوند متعال با فراهم آوردن زمینه‌های آن، بندگان خود را به سمت رشد و تکامل معنوی هدایت می‌کند. در تربیت اخلاقی، به‌عنوان یکی از ابعاد تربیتی انسان، تلاش می‌شود زمینه‌های گرایش به فضایل و روی آوردن به اخلاق حسنه، برای رسیدن به سعادت و کمال جاودانه فراهم آید. به همین منظور، این پژوهش با روش تحلیل و بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای، به تبیین آثار تربیتی - اخلاقی سنت آزمایش و نقش آن در تربیت معنوی و اخلاقی انسان، از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی پرداخته است. یافته‌ها حاکی از این است که از نگاه آیت‌الله مصباح، سنت آزمایش که خود یکی از اهداف آفرینش محسوب می‌شود، در شکوفایی استعدادهای درونی انسان، تطهیر گناهان، تنبّه و بیداری، توبه و بازگشت به خداوند، رشد و تکامل معنوی و قرب الهی وی تأثیر به‌سزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، اخلاق، سنت، آزمایش، مصباح یزدی.

مقدمه

انسان در مسیر زندگانی خویش، با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها روبرو است؛ همواره با نعمت‌هایی که خوشایند اوست و نعمت‌هایی که ناخوشایند اوست، مواجه است. بر اساس آموزه‌های دینی، نعمت‌ها و نعمت‌ها، هر دو ابزار آزمایش انسان‌اند. سنت آزمایش، یک سنت جاری است که با ابزار گوناگون در زندگی انسان به وقوع می‌پیوندد. این سنت الهی، سنتی عام بوده و برای همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها، مکان‌ها و در تمام عمر جاری است. همچنین بستری است مناسب برای آراستگی به فضائل و پیراستگی از رذائل. روشن است که علم به این حقایق و آگاهی نسبت به آثار سختی‌ها و گرفتاری‌ها در زندگی، موجب می‌شود تا انسان در مواجهه با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، عملکردی مناسب و از پیش تعیین شده داشته باشد. بنابراین، با توجه به آثار تربیتی - اخلاقی سنت آزمایش و نقش سازنده آن در معنویت انسان، ضروری است آثار تربیتی - اخلاقی این سنت، به دقت مورد بررسی قرار گیرد. حضرت علامه مصباح یزدی در تألیفات خود به آثار آزمایش‌های الهی در تربیت و تزکیه اخلاقی و نتایج موفقیت در آزمایش، اشارات فراوانی کرده‌اند. با توجه به اهمیت و جایگاه بحث در منابع اسلامی، در این زمینه آثاری منتشر شده است، اما آنچه نوشتار حاضر را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، پرداختن آن به آثار تربیتی - اخلاقی سنت آزمایش از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی است. بدین منظور، در این مقاله به بررسی آثار تربیتی سنت آزمایش، به‌عنوان یکی از سنن الهی از دیدگاه ایشان، با توجه به ساحت‌های سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی انسان پرداخته می‌شود.

سنت آزمایش

سنت آزمایش از جمله سنت‌هایی است که انسان را به هدف‌نهایی آفرینش؛ یعنی تقرب به خدای متعال و عبودیت و بندگی او می‌رساند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۴۷۱). مقصود از «آزمون» یا «امتحان» انسان‌ها این است که آنها میان دو دسته از عوامل و زمینه‌های متضاد و متزاحم قرار بگیرند، تا هر یک از آنها آدمی را به سوی خود جذب کنند. در این میان، او می‌باید با گزینش صحیح خود در امتحان الهی سربلند شود و در نتیجه، کمال یابد و سعادت‌مند گردد؛ چراکه سرشت انسان به گونه‌ای است که تنها بر اثر اعمال و انتخاب‌های ارادی خود رشد می‌کند و کمال می‌یابد (همو، ۱۳۸۹، ص ۱۸). پس اصل آزمایش عبارت است از: فراهم آوردن زمینه کار اختیاری شخص تا آنچه را پنهان دارد آشکار کند یا استعدادش را به فعلیت برساند (همو، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳).

تربیت اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله مصباح

از آنجاکه اصالت انسان به روح است و روح دارای سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی است، اگر بخواهیم تربیت را بر اساس ابعاد اصلی وجود انسان تقسیم کنیم، تربیت به سه نوع قابل تقسیم می‌باشد: تربیت شناختی، عاطفی و ارادی. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود، اینکه پس جای تربیت اخلاقی کجاست. ایشان در پاسخ می‌فرماید: مراد از «تربیت اخلاقی»، رفتارهای اخلاقی است؛ یعنی همان بعد ارادی که از عواطف خاصی نشأت می‌گیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۳۰).

رابطه سختی‌ها با سنت آزمایش

آیا همه مصایب و گرفتاری‌ها، به هدف آزمایش انسان است؟ گرچه سختی‌ها و گرفتاری‌های دنیوی معمولاً آزمایش و امتحانی هستند که خداوند متعال عده‌ای از بندگان را به آنها مبتلا می‌سازد، اما گاهی نیز گرفتاری‌ها، زمینه‌ای فراهم می‌کند که موجب تکفیر گناهان و یا ترفیع مقامات معنوی عده‌ای از انسان‌ها شود. حالت سوّمی نیز وجود دارد که در آن، گرفتاری‌ها بازتاب و مکافات اعمال زشت گروهی از افراد است که دامن آنها را می‌گیرد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ۱۳۸۴، ب، ص ۱۰۷).

آثار تربیتی سنت آزمایش در بُعد بینشی

«شناخت خود»، «سنجش سطح ایمان» و «تنبه و بیداری»، سه اثر از آثار تربیتی - اخلاقی سنت آزمایش، در بُعد بینشی هستند که در اینجا به ترتیب، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

یک. شناخت خود

هنگامی انسان می‌تواند به ارزیابی خویش بپردازد و درباره‌ی خویش به قضاوت بنشیند و در رابطه با توانمندی‌های خویش صحیح بیندیشد که دست به عمل بزند و رفتاری از خود بروز دهد. برای نمونه، وقتی انسان، در یک آزمون مرتکب لغزش می‌شود، به ضعف‌ها و کاستی‌ها و عیوب درونی خود پی برده، درصدد اصلاح آن برمی‌آید. حال اگر این زمینه برای وی فراهم نمی‌آمد، چنین شناختی نیز صورت نمی‌گرفت. حضرت آیت‌الله مصباح، با اشاره به این حقیقت که انسان هر چه خود را بیشتر بشناسد و بیشتر بر ضعف و کاستی‌های خویش آگاه شود، توجه او به خداوند بیشتر می‌شود و به خضوع و خشوع در بارگاه قدس ربوبی می‌پردازد (۱۳۸۳ الف، ص ۳۸۱)، هدف از آزمایش انسان را این می‌داند که جوهر واقعی‌اش برای خودش ظاهر شود و معلوم گردد که آیا راه حق و ترقی را برمی‌گزیند، یا مسیر سقوط و نزول را (همو، ۱۳۸۷، ص ۳۸).

بی تردید از جمله عواملی که می‌تواند مانع پذیرش دعوت انبیاء علیهم‌السلام و عدم استقبال از آنها گردد، بی‌نیاز دیدن خود از معارف آسمانی و طریق هدایتی است که پیامبران الهی مأمور ابلاغ آن به مردم هستند. اما خداوند متعال با لطف و عنایت خویش، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا انسان‌ها به نیازمندی‌های خود پی برده و از کنار دعوت پیامبران الهی و پیام‌های الهی، بی‌تفاوت عبور نکنند. به همین دلیل، خداوند متعال برای دستیابی انسان‌ها به سعادت خویش صرفاً به بعثت انبیاء علیهم‌السلام اکتفاء نکرده است، بلکه زمینه‌ها و شرایط روانی خاصی را نیز برای حرکت تکاملی آنان فراهم کرده است؛ شرایطی چون سختی‌ها و گرفتاری‌ها که موجب می‌شود انسان‌ها خواه ناخواه، به نیازمندی‌ها و ناتوانی‌های خودشان پی ببرند و برای جبران نواقص و کاستی‌های خویش، روی به سوی خداوند متعال آورند (ر.ک. همو، ۱۳۸۴ الف، ص ۲۴۹).

لازم به یادآوری است که مقصود از «شناخت خود» در این نوشتار، انسان‌شناسی یا معرفت نفس به معنای اصطلاحی آن نیست، بلکه مقصود این است که خداوند متعال با فراهم‌سازی زمینه‌های آزمایش برای انسان، موجب

می‌شود تا انسان با واکنش‌های متفاوتی که از خود نشان می‌دهد، به یک ارزیابی نسبت به خود می‌رسد و ضعف‌ها و قوت‌های خود را بهتر می‌شناسد. بنابراین، می‌توان گفت: از جمله آثار سنت آزمایش انسان‌ها این است که ماهیت افراد بر خودشان روشن می‌شود (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۳۳۴) و نسبت به نقاط ضعف و قوت خود، در مسیر حرکت به سوی کمالات آگاهی می‌یابند (غفاری، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

دو. سنجش سطح ایمان

ارزیابی ایمان خویش در حقیقت، ارزیابی خویشتن است و به نوعی، شناخت خود محسوب می‌شود؛ چراکه سنجش سطح ایمان، آگاهی یافتن به بخشی از وجود خویش است. بنابراین به نظر می‌رسد بهتر است این موضوع، در ادامه بحث پیگیری شود. ولی به دلیل اهمیت موضوع و جایگاه آن در معارف دینی، به طور جداگانه به آن پرداخته می‌شود.

مفهوم ایمان

حضرت آیت‌الله مصباح، ایمان را امری قلبی و در عین حال، اختیاری می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۱۷) که از نظر دیگران مخفی است و خود می‌تواند در دایره اخلاق قرار گیرد؛ زیرا هر کار اختیاری، اعم از جوارحی یا جوانحی، در دایره اخلاق قرار دارد (همان، ص ۱۱۸). از دیدگاه ایشان، ایمان با علم و عقیده تفاوت دارد؛ زیرا، علم ممکن است به شکل غیر اختیاری برای انسان حاصل شود، ولی ایمان چنین نیست و چنین علم و عقیده‌های ایمان نیست (همان، ص ۱۱۷). ریشه اخلاق و ارزش اخلاقی از دیدگاه اسلام، ایمان است و برای به دست آوردن تقوا و تخلق به اخلاق شایسته، نخست باید به تحصیل ایمان مبادرت شود (همان، ص ۱۴۷). لازم به یادآوری است همان‌گونه که گفته شد، ایمان با علم تفاوت دارد. اما بحث فعلی چون در خصوص بررسی سنجش سطح ایمان، به‌عنوان یکی از آثار سنت آزمایش است، نه صرفاً خود ایمان و افزایش و کاهش آن؛ از این جهت، به بُعد بینشی انسان نظر دارد، نه بُعد گرایشی او. به عبارت دیگر، آثار سنت آزمایش در بینش انسان ظهور و بروز دارد و شناخت وی را نسبت به سطح ایمانش ارتقاء می‌بخشد، نه اینکه ایمان وی را افزایش یا کاهش می‌دهد؛ یعنی صحبت، درباره افزایش یا کاهش ایمان نیست، بلکه درباره افزایش شناخت و آگاهی انسان نسبت به سطح ایمان خویش است.

آزمایش و سنجش سطح ایمان

برخی ارزیابی درستی از ایمان خود ندارند. به طوری که گمان می‌کنند دارای درجات بالایی از ایمان هستند و حتی طوفان حوادث نمی‌تواند موجب لغزش پایه‌های ایمانشان گردد. به همین سبب، برای حفظ و یا ارتقاء ایمان خویش، اقدامی صورت نمی‌دهند؛ چراکه به خیال خود تمام مراحل ایمان و یا آنچه که لازم است در مسیر کمال طی کنند، پیموده‌اند. اما هنگام مواجهه با سختی‌ها و گرفتاری‌ها، وقتی واکنشی مطابق با ایمان خود نشان نمی‌دهند، به این حقیقت پی می‌برند که تصور صحیحی از مرتبه ایمان خود نداشته‌اند.

حضرت آیت‌الله مصباح، با بیان آیات ابتدایی سوره عنکبوت، بر این مطلب تأکید می‌ورزند که این آیات در صد بیان این حقیقت هستند که مردم تصور نکنند با صرف ادعای ایمان، خداوند آنها را رها کرده، و آنها را نمی‌آزماید، بلکه باید تمام مراحل مختلف ایمان را طی کنند و در هر مرحله، امتحان شوند تا پایه ایمانشان مشخص گردد (۱۳۸۳ج، ص ۱۱۷). طالب کمال باید برای گزینش حق آزمایش شود و مسلماً این آزمون، برای سنجش میزان اعتقاد و ایمان افراد و گرایش آنها به حق است (همو، ۱۳۹۱ز، ج ۱، ص ۳۳۵).

بعثت انبیا و رفتن انبیاء علیهم‌السلام در حقیقت امتحانی است برای مردم که آیا پس از رفتن آنان، ایمان خود را حفظ می‌کنند یا به کفر و جاهلیت برمی‌گردند (همو، ۱۳۹۱ط، ص ۶۶). همان طور که ماجرای روی آوری قوم بنی‌اسرائیل به سامری و پذیرش دعوت او به گوساله پرستی و رویگردانی از حضرت موسی علیه‌السلام و جانشین وی، امتحانی بود برای سنجش سطح ایمان آنها (همو، ۱۳۸۲الف، ص ۱۹). بنابر این، وقتی انسان در بوته امتحان و آزمایش قرار می‌گیرد، به جوهره و واقعیت ایمان خود و ضعف یا قوت ایمان خود پی می‌برد.

سه. تنبّه و بیداری

نخستین موضوعی که در بخش اخلاق فردی؛ یعنی آن بخش از اخلاق که به تنظیم رابطه انسان با خودش مطرح می‌شود، موضوع توجه، التفات، هوشیاری و بیداری است، در مقابل حالت غفلت و بی‌توجهی (همو، ۱۳۹۱الف، ج ۲، ص ۷۹). روشن است توجه به مسائل مادی، اگر از حالت طبیعی خود خارج شود، توجه به مسائل معنوی رنگ می‌بازد و غفلت جای آن را می‌گیرد و آثار و نتایجی که از ایمان انتظار می‌رود، به دست نمی‌آید. ایمان هنگامی به بار خواهد نشست که با توجه، تنبّه، هوشیاری و بیداری انسان، همراه و همگام گردد و رنگ غفلت به خود نگیرد. خداوند متعال به جهت عنایتی که به انسان دارد، از راه‌های گوناگون او را متوجه خود می‌کند و از غفلت و افتادن به ورطه گناه باز می‌دارد و موجب بیداری و هوشیاری او می‌گردد (همو، ۱۳۸۴د، ص ۱۰۷؛ ۱۳۹۰ه، ص ۲۶۱). یکی از راه‌هایی که موجب بیداری و تذکر و تنبّه انسان می‌شود، قرار گرفتن در بوته بلاها و امتحانات الهی است. حضرت در این رابطه می‌فرمایند:

«إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَائِيكَ الْبَلَاءَ فَقَدْ أَتَيْتَكَ»؛ هرگاه دیدی خداوند سبحان پیاپی بر تو بلا نازل می‌کند، هر آینه تو را بیدار باش داده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰۱). درواقع اگر درست به بلا نگرسته شود، پی برده می‌شود که سختی‌ها و بلاها نقش تربیتی و بیدارگری دارند. سختی‌ها، انسان‌های خفته و بی‌تحرك را بیدار و هشیار می‌سازند و عزم و اراده ایشان را برمی‌انگیزند (همو، ۱۳۹۱ز، ج ۲، ص ۳۵۱). قرار گرفتن انسان در فشار و سختی، موجب می‌شود تا فطرت خفته‌اش بیدار گردد و توجه به قدرتی پیدا کند که می‌تواند مشکل او را چاره سازد (همو، ۱۳۹۰الف، ص ۹۹). حضرت آیت‌الله مصباح وجود برخی بلاها و مصایب را از الطاف الهی (همو، ۱۳۸۹الف، ص ۳۷) و یک سنت الهی می‌دانند که برای ایجاد تنبّه و بیداری مردم و به امید آن، که دست از گناه و نافرمانی بردارند، نازل می‌شود (همو، ۱۳۸۸ب، ص ۲۱۲؛ ۱۳۹۰د، ص ۴۷۷؛ ۱۳۹۱ز، ج ۱، ص ۱۵۱).

آثار تربیتی- اخلاقی سنت آزمایش در بعد گرایشی

آزمایش و ابتلا، تأثیراتی در بعد گرایشی نیز بر جا می‌گذارند. «از بین بردن روح تکبر»، «پالایش ناخالصی‌ها»، «تکامل معنوی»، «شکوفایی استعدادها» و «قرب الهی»، از آثار تربیتی - اخلاقی سنت آزمایش در بُعد گرایشی هستند که در اینجا به ترتیب، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

یک. از بین بردن روح تکبر

تکبر حالتی است که آدمی خود را بالاتر از دیگری می‌بیند (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۲). این صفت، که در مقایسه نفس با دیگری به وجود می‌آید، موجب می‌شود تا انسان خود را از دیگران برتر بداند. کبر از نتایج و ثمرات عجب است، اما بر خلاف عجب، مقایسه شرط وجودی کبر است (شبر، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴). آنچه در بین مردم از این صفت ردیله شناخته شده، در برابر آنچه قرآن کریم ارائه می‌کند، ناچیز است؛ زیرا ملاک سنجش خودپرترینی در دیدگاه مردم، حالتی است که دارنده آن در قبال هموعان خود دارد؛ ولی در منطق وحی، «با خدا طرف شدن» مطرح است. معمولاً علمای اخلاق نیز بیشتر به همان معنایی پرداخته‌اند که به افق فکر مردم نزدیک است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۱).

بالاترین ارزش و کمال انسان، قرب به خدا است که خود مراتب مختلفی دارد و راه کلی قرب هم پرستش و عبادت و بندگی کردن است. آنچه با روح بندگی و عبودیت تناسب دارد، تواضع و فروتنی است، و در مقابل، آنچه که با این روح هیچ سازش ندارد، تکبر و خودبزرگ‌بینی است (همو، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷). این صفت از اعظم صفات ردیله است و مانع کسب اخلاق حسنه می‌گردد. به طوری که آدمی را از تواضع، حلم، قبول نصیحت، ترک حسد و غیبت و امثال آن منع می‌کند (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۳).

سنت آزمایش و نفی روح تکبر

رفاه و برخورداری از مواهب دنیوی، به تدریج انسان را به سمت و سویی می‌کشاند که خود را بی‌نیاز از خدا و امور معنوی می‌پندارد و روحیه سرکشی از دستورات الهی و تکبر و خودبزرگ‌بینی در او تقویت می‌گردد. بر این اساس، خداوند متعال برای از بین بردن روح تکبر، وسایلی قرار داده تا انسان را با اموری چند بیازماید. در سخنی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به اهداف آزمایش این گونه اشاره شده است:

وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَإِسْكَانًا لِلتَّذَلُّلِ فِي نَفْسِهِمْ وَيَجْعَلُ ذَلِكَ أَبْوَابًا فَتْحًا إِلَى فَضْلِهِ وَأَسْتَبَابًا دَلَالًا لِعَفْوِهِ؛ در صورتی که خداوند بندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آزماید، و با مشکلات زیاد به عبادت می‌خواند، و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد، تا کبر و خود پسنندی را از دل‌هایشان خارج کند، و به جای آن فروتنی آورد، و درهای فضل و رحمتش را به روی شان بگشاید، و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۰).

آیت‌الله مصباح، حکمت ابتلای امتحان‌شوندگان را این می‌داند که از یک سو، آزمایش شوند و مرتبه اطاعت آنان معلوم شود، و از سوی دیگر، وقتی اطاعت کردند، روح استکبار، تکبر و خودبزرگ‌بینی از آنها سلب گردد (مصباح

یزدی، ۱۳۹۱ط، ص ۵۸). اگر روح حاکم بر اکثریت جامعه و امتی، روحیه استکباری و طغیان صفتی شد، لطف و عنایت خداوند ایجاب می‌کند به نحوی انسان‌ها را هشدار دهد و آنها را از خواب غفلت بیدار کند و به راه حق و طریق بندگی بازگرداند. برای تحقق این هدف، گاه بلاهایی از قبیل فقر و خشک‌سالی نازل می‌کند و از سوی دیگر، راه درمان و رفع آن بلاها را استغفار و توبه از گناهان و توجه به خدا و دعا و نماز معرفی می‌کند تا در نهایت، هدف خلقت، که همان هدایت و تکامل اختیاری انسان‌هاست، هر چه پیش‌تر تحقق یابد (همو، ۱۳۸۹ الف، ص ۳۵). امام صادق علیه السلام، نزول بلا و گرفتاری‌ها از سوی خداوند متعال را خیری برای بندگان قلمداد می‌کنند که آنها را به یاد استغفار می‌اندازد. «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَادْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِقْمَةٍ وَيَذْكُرُهُ لِالِاسْتِغْفَارِ»؛ هر گاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد و از او گناهی سرزند، در پی آن گناه به مصیبتی گرفتارش می‌سازد تا او را به یاد استغفار کردن اندازد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۴۵۲).

دو. پالایش ناخالصی‌ها

از آنجاکه در تربیت اخلاقی، پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی مد نظر است (داودی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۵) و گناه مانع هدایت‌پذیری (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ب، ج ۱، ص ۱۵۶) و مانع تربیت‌پذیری است (همان، ص ۱۵۹)، شرط آراستگی به فضایل اخلاقی، پاک شدن انسان از گناهان است.

حضرت آیت‌الله مصباح، ضمن اشاره به این حقیقت که گناه برای انسان سم است و آخرت انسان و جامعه انسانی را تباه می‌کند (همو، ۱۳۸۸ ب، ص ۵۰)، آفت نفس را «گناه»، و «یاد خدا» را مایه حیات و رشد نفس می‌دانند (همو، ۱۳۹۰ الف، ص ۲۹). گناه موجب سقوط انسان (همان، ص ۲۵۵؛ ۱۳۸۸ الف، ص ۲۳۷)، زمینه‌ساز کفر و تضعیف ایمان (همو، ۱۳۹۰ الف، ص ۲۵۲؛ ۱۳۸۸ ج، ص ۲۹۰) و خشکیده شدن ریشه ایمان است (همو، ۱۳۸۶، ص ۹۷). برای حیات معنوی انسان، نه تنها گناه، بلکه فکر و یاد گناه نیز مضر است (همو، ۱۳۸۲ ب، ج ۱، ص ۱۴۵). به گونه‌ای که این خطر وجود دارد که محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام، به کلی از صفحه قلب و دل انسان زایل گردد (همو، ۱۳۹۱، ص ۳۱۱). تضعیف اعتقادات (همو، ۱۳۹۰ ب، ج ۲، ص ۱۰۵)، نابودی اعمال (همو، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴)، دوری از خدا و فراهم کردن زمینه خشم الهی (همو، ۱۳۹۱ ح، ص ۴۴)، محرومیت از فیوضات الهی (همو، ۱۳۹۱ ز، ج ۱، ص ۱۳۱)، بی‌اثرسازی و سرکوب فطرت (همان، ص ۳۸۲)، از دیگر پیامدهای گناهان است. خداوند متعال به‌عنوان معلم اخلاق (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۳۹)، با آزمایش انسان، آلودگی‌هایی را که در اثر گناه در نفس او حاصل شده، از بین می‌برد و نفس او را تطهیر می‌سازد. بنابراین، از جمله آثار آزمایش و امتحان الهی را می‌توان پالایش ناخالصی‌ها دانست.

سنت آزمایش و پالایش ناخالصی‌ها

انسان در طول حیات خویش با گونه‌های متفاوتی از امتحانات الهی مواجه می‌شود که موجب پاک شدن او از آلودگی گناهان می‌شود. در این رابطه، از امیرالمؤمنین علیه السلام این گونه نقل شده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ تَمْحِصَ

ذُنُوبِ شَيْبَتِنَا فِي الدُّنْيَا بِمَحْتَتِهِمْ لَيْسَلَمْ بِهَا طَاعَاتُهُمْ وَيَسْتَحِقُّوا عَلَيْهَا نُؤَابَهَا»؛ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سپاس و ستایش خدایی را که رنج و گرفتاری پیروان ما را مایه زوده شدن گناهان آنان در دنیا قرار داد تا با این رنج‌ها و بلاها طاعتشان سالم ماند و سزاوار پاداش آن شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴ ص ۲۳۲).

حضرت آیت‌الله مصباح ابتلای افراد گناهکار به بلاها را سبب پاک شدن روح آنها می‌دانند، تا راحت از دنیا بروند و اگر پاک نشدند، با سکر موت آنها را پاک می‌کنند تا در عالم برزخ مشکل نداشته باشند و اگر پاک نشدند با فشار قبر و گرنه با گرفتاری‌های برزخ و در پایان با سختی‌های محشر و دست آخر با شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام پاک شده و وارد حوض کوثر می‌گردند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ح، ص ۶۹). خداوند متعال، برخی مؤمنان را به سختی‌ها و گرفتاری‌هایی چون فقر و بیماری مبتلا می‌سازد تا آلودگی‌ها و کدورت‌هایی که بر اثر گناه در روحشان پدید آمده، از بین برود و آنان در هنگام مرگ با دلی پاک از گناه به راحتی جان بسپارند (همو، ۱۳۹۱د، ص ۶۲).

جنگ را می‌توان نمونه‌ای بسیار مناسب دانست که در آن، انسان‌های مؤمن مورد ابتلائات مختلف الهی قرار می‌گیرند و با گداخته شدن در کوران حوادث آن، گوهر وجودی خویش را صاف‌تر و خالص‌تر می‌سازند. حضرت آیت‌الله مصباح ضمن اشاره به اینکه میدان جنگ، میدان حوادث تلخ و ناگوار و ناملازمات است، آن را عرصه‌ای برای خالص سازی ایمان فرد می‌داند. جنگ با توجه به مصایب و مشکلات و سختی‌های متعددی که به همراه دارد، میدان خوبی برای آب دیده شدن انسان‌ها و بیرون رفتن از ناخالصی‌ها است (همو، ۱۳۸۳ب، ص ۶۵).

سه. تکامل معنوی

تکامل عبارت است از: فرآیند برخورداری موجودی از نیروهایی که موجب تغییرات تدریجی می‌گردند و وجود شرایط بیرونی برای به فعلیت رساندن استعدادها در جهت رسیدن به کمال (همو، ۱۳۸۴ج، ص ۴۳). به عبارت دیگر، تکامل و حرکت استکمالی انسان عبارت است از: تغییراتی تدریجی در راستای شکوفایی و به فعلیت رسانی استعدادهای فطری (همو، ۱۳۸۹ج، ص ۶۷).

گرایش به کمال

حضرت آیت‌الله مصباح «کمال‌خواهی» را فطری انسان و انسان را طالب کمال دانسته، بر این باورند که عامل «فطرت» او را به سوی کمال دعوت می‌کند و محتاج به برانگیختن عامل بیرونی نیست (همو، ۱۳۸۴ج، ص ۳۳). بنابراین، اصل میل به خوبی و گرایش به کمال در نهاد همه انسان‌ها هست و انسان فطرتاً به خوبی و کمال گرایش دارد. کار مربی این است که این فطرت را بیدار کند و رشد و تعالی بخشد. اگر این گرایش و میل فطری به کمال در نهاد انسان نبود، هیچ کس نمی‌توانست او را تزکیه کند؛ چرا که تزکیه انسان امری ارادی است و تا انسان میل به چیزی نداشته باشد، هرگز آن را اراده نمی‌کند (همو، ۱۳۹۰الف، ص ۲۷).

آزمایش و تکامل معنوی

آیا آزمایش انسان هدف نهایی از آفرینش اوست، یا هدف نهایی چیز دیگری است و آزمایش انسان هدفی مقدماتی است برای رسیدن به هدف نهایی؟ حضرت آیت‌الله مصباح معتقدند هدف از آفرینش بشر در این جهان، آزمایش اوست. البته این آزمون، هدف نهایی نیست، بلکه آزمایش می‌کنند تا آدمی خود را به کمال برساند و به تعبیر فلسفی، استعدادهای خود را به فعلیت برساند. آنچه انسان قرار است بشود و می‌تواند بشود، تحقق یابد، استعدادهايش به فعلیت برسند و بالقوه‌ها بالفعل گردند. قرآن نام این را «آزمایش» گذاشته است (همو، ۱۳۹۱ط، ص ۴۲). خدا از نهایت لطف خود، امتحان را قرار داده تا وسیله تکامل شود (همان، ص ۶۴). حتی هدف خداوند از فتنه، هدفی مقدس و عالی است که همان هدف خلقت است، اینکه انسان‌ها آزمایش شوند تا زمینه رشد و تکامل آنان فراهم آید (همان، ص ۹۹). اگر این اسباب و آزمایش‌های الهی نبود، تکاملی هم در کار نبود (همو، ۱۳۹۱ه، ص ۱۹۵؛ ۱۳۹۱ز، ج ۲، ص ۲۹۲). اگر آدمی با اراده خود عملی را انجام دهد، تکامل بیشتری خواهد یافت (همو، ۱۳۹۰ب، ج ۱، ص ۳۰۲).

حضرت آیت‌الله مصباح، ضمن تأکید بر اینکه خداوند متعال آدمی را با هزاران آزمایش روبرو می‌سازد تا از این رهگذر، زمینه تکامل او فراهم شود، مسیر آزمایش را دارای چندین گونه تکلیف می‌داند که همگی متوجه انسان است. حال اگر این تکالیف را به گونه‌ای صحیح انجام دهد و از آن آزمون‌ها سربلند بیرون آید، رشد معنوی می‌یابد (همان، ص ۳۰۳). در حقیقت، راز گرفتار آمدن مؤمنان به بلاها و مصیبت‌های دنیوی نیز چیزی جز رشد و کمال آنها نیست (همو، ۱۳۸۳ج، ص ۶۵) و قرار گرفتن آنها در معرض گونه‌های مختلف آزمایش، به این هدف صورت می‌گیرد که تکامل معنوی و تربیت اخلاقی آنان رقم بخورد.

چهار. شکوفایی استعدادها

از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد انسان، وجود استعدادهایی برای رشد و کمال یافتگی است که نیازمند رشد و شکوفایی و فعلیت یافتگی است. استاد مصباح با اشاره به این جنبه از وجود انسان، او را ذاتاً دارای استعدادهایی می‌داند که می‌تواند به بسیاری از کمالات دست یابد (همو، ۱۳۸۹، ص ۸۳). مایه‌ها و استعدادهایی در درون انسان وجود دارد که شکوفا شدن و به فعلیت درآمدن آنها، به فعالیت خود انسان بستگی دارد. ماهیت این تمایلات فطری، به گونه‌ای است که اگر انسان، خود در مورد آنها کاری انجام ندهد، این میل‌ها در او بروز و ظهور نمی‌کند (همو، ۱۳۹۰ه، ص ۲۸).

سنت آزمایش و شکوفایی استعدادهای انسان

با توجه به اینکه خداوند متعال استعداد تکامل را در وجود انسان فراهم کرده و زمینه‌های تعالی و رشد را به او عطا فرموده است، شکوفایی استعدادها را می‌توان از جمله آثار تربیتی سنت آزمایش دانست که خداوند متعال، با فراهم آوردن زمینه‌هایی آن را برای انسان رقم می‌زند تا او را به کمالات معنوی خویش برساند.

از دیدگاه آیت‌الله مصباح استعدادها و امکانات متنوع و متوازی در اختیار آدمی گذاشته شده و او راهها و گزینه‌های خیر و شری نیز پیش روی دارد و اینک هموست که می‌باید گزینش کند و در عرصه امتحان الهی گام بگذارد. مقصود از «آزمون» یا «امتحان» انسان‌ها همین است که خداوند آنان را میان دو دسته از عوامل و زمینه‌های متضاد و متزاحم قرار داده است که هر یک از آنها، آدمی را به سوی خود جذب می‌کنند و او می‌باید با گزینش صحیح خود، در امتحان الهی سربلند شود (همو، ۱۳۸۹ب، ص ۱۸).

برای تربیت و تزکیه انسان، ظرافت‌ها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های خاصی لازم است که تنها خالق و آفریننده انسان، آگاهی کامل از آنها دارد. اوست که شیوه‌های صحیح تربیت و تزکیه انسان را از طریق وحی به فرستادگان و برگزیدگان خود یاد می‌دهد تا آنان در پناه تعلیم الهی، بتوانند زمینه‌های رشد و تعالی و تکامل انسان‌ها را فراهم آورند. البته انسان چون موجودی مختار است، تنها در صورتی که اراده پیمودن راه تکامل و ترقی را داشته باشد، می‌تواند با استفاده از زمینه‌های موجود، استعدادها و قابلیت‌های وجودی خویش را در آن مسیر به فعلیت برساند (همو، ۱۳۸۸د، ص ۳۹).

حضرت آیت‌الله مصباح اصل آزمایش را فراهم کردن زمینه‌ای برای انجام کاری اختیاری می‌دانند که بر اساس آن، انسان آنچه را پنهان می‌دارد، آشکار می‌سازد یا استعدادش را به فعلیت می‌رساند. بنابراین، اگر خدا بخواهد انسان را بیازماید، لازمهٔ آزمایش فراهم کردن سؤالی است تا انسان، سر دوراهی قرار گیرد و آنچه در نهانش هست، به ظهور و استعدادش به فعلیت برسد. پس این آزمایش، هیچ وقت خودبه‌خود هدف نهایی نیست، بلکه برای به فعلیت رساندن استعدادهاست (همو، ۱۳۹۱م، ص ۱۸۳).

وجود رنج‌ها و گرفتاری‌ها از یک سو، موجب تلاش انسان برای کشف اسرار طبیعت و پدید آمدن دانش‌ها و صنایع مختلف می‌شود. از سوی دیگر، دست و پنجه نرم کردن با سختی‌ها، عامل بزرگی برای رشد و شکوفایی استعدادها و ترقی و تکامل انسان‌ها محسوب می‌گردد (همو، ۱۳۸۴الف، ص ۱۶۷) و این بیانگر لطف و عنایت الهی است (همو، ۱۳۹۱ز، ص ۳۵۲).

پنج. قرب الهی

وقتی واژه «قرب» در مورد امور محسوس به کار برده می‌شود، منظور قرب زمانی و یا مکانی است. مسلماً منظور از قرب خدای متعال، که مطلوب نهایی انسان است و باید در اثر حرکت اختیاری خود به آن نایل گردد، کم شدن فاصله زمانی و مکانی نیست؛ زیرا پروردگار متعال آفریننده زمان و مکان و محیط بر همه زمان‌ها و مکان‌هاست و با هیچ موجودی نسبت زمانی و مکانی ندارد: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید: ۴). هر جا باشید او با شماست.

البته همهٔ بندگان و آفریدگان بر خوردار از قرب تکوینی به خداوند هستند؛ چون خداوند متعال احاطه وجودی بر آنها دارد و هستی و همه شئون وجودی موجودات در قبضه قدرت او و وابسته و نیازمند به اراده و مشیت او هستند. اما این قرب وجودی، حقیقی و تکوینی است و اکتسابی نیست. از این رو، نمی‌توان آن را غایت و مقصد سیر تکاملی

انسان دانست. منظور از «قرب خدا»، کمالی است اکتسابی که تنها انسان‌های شایسته و صالح در پرتو بندگی خدا و عبادت و پیمودن مسیر تکاملی خویش به آن می‌رسند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ج، ص ۲۴۷-۲۴۸). وجود سه عامل اختیار، تلاش و شناخت نقش اساسی در رسیدن به کمال نهایی و قرب خدا دارند و این کمال نهایی، که عالی‌ترین کمال انسانی است و به ساحت معنوی و روحانی وجود انسان مربوط می‌شود، مرتبه‌ای است از وجود که در آن، همه استعدادها و قابلیت‌های ذاتی، معنوی و انسانی شخص با سیر و حرکت اختیاری خودش به فعلیت تام می‌رسند (همان، ص ۲۵۳).

قرب الهی، مفهومی محوری

«تقرب الی الله»، مفهوم محوری معارف توحیدی است و در تعالیم همه انبیا بسیار بر آن تأکید می‌شود. انبیا و اوصیای ایشان در طول تاریخ، آن قدر بر این مفهوم تأکید و اصرار ورزیده بودند که حتی در ادبیات کفار و مشرکان هم وارد شده بود (همو، ۱۳۹۰ الف، ص ۴۷). حضرت آیت‌الله مصباح ضمن اینکه راه وصول به قرب الهی را منحصر در خداپرستی می‌دانند (همو، ۱۳۹۰ الف، ص ۸۳)، معتقدند: نقطه اوج ترقی و عالی‌ترین نقطه کمال و تکامل انسان قرب به خداست و کمال حقیقی انسان، تنها در سایه قرب الهی تحقق می‌یابد (همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۱۷۴). انسان در مسیر تکاملی خود، رو به سوی خدا دارد و نهایت سیرش رسیدن به خدا و «قرب الی الله» است (همو، ۱۳۸۸ج، ص ۴۳؛ ۱۳۹۱ الف، ص ۱۳۹).

سنت آزمایش و قرب الهی

از دیدگاه علامه مصباح، تنها چیزی که برای انسان اصالتاً ارزش دارد، قرب پروردگار است و هر چیزی که وسیله تقرب به سوی او قرار گیرد و مقدمه پیوند یافتن انسان با ابدیت و نایل گشتن او به کمال گردد، به همان اندازه و فقط از آن نظر که وسیله است، ارزشمند خواهد بود (همو، ۱۳۸۴ج، ص ۳۰۵؛ ۱۳۸۳ ب، ص ۱۱۹).

بنابراین، با توجه به اینکه هدف اصلی از آفرینش انسان و بالاترین کمالی که او بدان دست می‌یابد، قرب به خداوند متعال است، ناگزیر راه رسیدن به آن را نیز باید شناخت و سعی کرد تا با تدوین برنامه‌ای صحیح و کامل، مسیر تقرب به خداوند را طی کند. سنت آزمایش از جمله سنت‌های الهی است که می‌تواند زمینه قرب الهی و نیل انسان به کمالات معنوی را فراهم آورد و او را به هدف نهایی خلقت نزدیک‌تر گرداند. در پرتو امتحان و آزمایش معلوم می‌شود کدام انسان‌ها تسلیم امر خداوند هستند و راه عبودیت و بندگی را در پیش می‌گیرند و کدام یک از عبودیت سر باز می‌زنند. در نتیجه، کسانی که مسیر عبادت خدا را طی می‌کنند، عملشان «احسن» و برتر از دیگران قرار خواهد گرفت و به قرب الهی نایل می‌شوند. حال از طریق آزمایش‌های الهی، به هر اندازه که مراتب عبودیت را طی کنند، به همان میزان نیز به قرب الهی می‌رسند و از رحمت بی‌کران خداوند برخوردار می‌شوند (همو، ۱۳۸۸ج، ص ۳۶۸ - ۳۷۰).

در نگاه علامه مصباح یزدی از نمونه‌های بسیار روشنی که انسان‌های مؤمن مورد امتحانات الهی قرار می‌گیرند، عرصه جنگ است که با موفقیت و پیروزی در آن، مراتب کمال و «قرب الی الله» را یکی پس از دیگری پیموده، لیاقت نیل به عالی‌ترین مراتب را پیدا کنند (همو، ۱۳۸۳ب، ص ۶۵). خدا باوران و مؤمنان و صالحان، به‌وسیله کفار و مشرکان در بوته آزمایش قرار می‌گیرند. در نتیجه، صبر و استقامت در مقابل سختی‌ها و رنج‌هایی که از سوی آنها متحمل می‌شوند، به کمال رسیده، مدارج عالی انسانیت و مقام قرب الهی را طی می‌کنند (همان، ص ۳۷).

نقش سنت آزمایش در تربیت اخلاقی در بُعد رفتاری

«توبه»، «یاد خدا»، «صبر» و «یادآوری و قدرشناسی نعمت‌های الهی»، از جمله آثار تربیتی-اخلاقی سنت آزمایش در بُعد رفتاری هستند که در اینجا، به بررسی هر یک به‌طور جداگانه می‌پردازیم:

یک. توبه

انسانی که آلوده به گناه گشته، شرایط رشد و تکامل را به‌طور کامل دارا نیست. او تا اظهار پشیمانی نکند و تصمیم جدی برای جبران کوتاهی‌ها نگیرد و توبه کامل نکند، دلش از آلودگی‌ها و گناهان پاک نمی‌گردد. به وسیله توبه می‌توان به جای تبعیت از امیال نفسانی و خواسته‌های شیطانی، راه سعادت و هدایت را در پیش گرفت و به کمال مطلوب خویش نائل آمد. توبه، خود نه تنها عملی صالح است که موجب بخشش گناهان توبه‌کننده می‌شود (همو، ۱۳۹۱الف، ج ۱، ص ۱۲۷)، بلکه مایه تقرب الهی و پیشگیری از تکذیب آیات خداوند می‌شود. توبه در حقیقت بازگشت از مسیرهای انحرافی و در نهایت، رهنمون شدن به مسیری است که کمال نهایی او را رقم می‌زند. توبه، تدارک کوتاهی‌ها و برگزیدن راه سعادت است (همو، ۱۳۸۴ج، ص ۲۸۷).

سنت آزمایش و توبه

بر اساس اینکه خدای متعال اراده کرده تا انسان با اراده خویش، راه خیر را بیاماید، طبعاً باید زمینه امور خیر بیشتر فراهم شود تا پیمودن راه خیر، آسان‌تر گردد. پس اگر لغزشی از انسان سر زند و از راه خیر منحرف گردد، باید زمینه بازگشت برای او فراهم باشد تا بتواند گذشته خویش را جبران کند. از این رو، خداوند راه توبه را باز کرده است (همو، ۱۳۹۱ی، ج ۱، ص ۲۱۳). در این میان، برخی افراد بلافاصله پس از گناه توبه می‌کنند و برخی دیگر توبه نمی‌کنند و بر گناه خود اصرار می‌ورزند (همو، ۱۳۸۴ب، ص ۱۲۲). از این رو، خداوند متعال گاه بلاهایی از قبیل فقر و خشک‌سالی نازل می‌کند و از سوی دیگر، راه درمان و رفع آن بلاها را استغفار و توبه از گناهان و توجه به خدا و دعا و نماز معرفی می‌کند تا در نهایت، هدف خلقت، که همان هدایت و تکامل اختیاری انسان‌هاست، هر چه بیش‌تر تحقق یابد (همو، ۱۳۸۹الف، ص ۳۵). آنچه مهم است، توجه به فلسفه این گونه حوادث و عبرت گرفتن از گذشته و توبه و بازگشت به سوی خداست (همان، ص ۳۷). بنابراین، می‌توان گفت: خداوند متعال با هدف توبه انسان‌ها به درگاه او و روی گردانی از غفلت و معصیت، آنان را با مبتلا نمودن به اموری خاص می‌آزماید.

دو. یاد خدا

انسان با یاد خدا وسوسه‌های شیطانی را بی‌اثر ساخته، راه نفوذ او را بر روی خود می‌بندد. از دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح «ذکر خدا» موجب می‌شود تا وسوسه‌ها، تخیلات، توهمات و عواملی که اختلالات فکری و روانی را فراهم می‌آورند، از بین بروند و نمی‌گذارند نیروهای ثمربخش ذهنی و روانی هدر روند. ذکر الهی، علاوه بر اینکه درون آدمی را از آلودگی‌ها، وسوسه‌ها، تخیلات و توهمات پاک می‌کند، می‌تواند فعالیت‌های ذهنی و روانی انسان را تنظیم کرده، مجهولاتی را برای او مکشوف گرداند و تشخیص حقیقت را برای انسان آسان سازد (همو، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

یاد خدا را می‌توان از مهم‌ترین آثار تربیتی آزمایش انسان و ابتلاء او به انواع گرفتاری‌ها دانست؛ چراکه تکامل انسان و آبادانی قلب او به یاد خدا پیوند خورده و با نبود یاد خدا، قلب انسان ویرانه‌ای بیش نیست. روح انسان اگر بخواهد بزرگ شود و تکامل یابد راهش این است که با یاد خدا، تجلی نور ذات اقدس حق را بر وجود خویش بیشتر و بیشتر نماید، زیرا ابزار تکامل انسان چیزی جز یاد خدا نیست (همو، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۱۷).

آزمایش انسان و یاد خدا

یاد خدا را می‌توان از مهم‌ترین آثار تربیتی آزمایش انسان و ابتلاء او به انواع گرفتاری‌ها دانست؛ چراکه تکامل انسان و آبادانی قلب او به یاد خدا پیوند خورده و با نبود یاد خدا، قلب انسان ویرانه‌ای بیش نیست (ر.ک. همو، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳).

گرچه یاد خدا به هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها و هجوم سهمگین بلاها هنر نیست، اما در هر صورت طبیعت بلاها و گرفتاری‌ها این است که انسان را متوجه خدا می‌کند. البته این قاعده عمومیت ندارد؛ عده‌ای هستند که حتی در گرفتاری‌ها نیز یادی از خداوند متعال نمی‌کنند (ر.ک. همو، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۳۷). «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (عنکبوت: ۶۵) و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند، خدا را پاکدلانه می‌خوانند، ولی [چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، بناگاه شرک می‌ورزند.

خدای متعال به عنوان مربی انسان، شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌آورد که با آزمایش و امتحان او، وی را تحت تربیت الهی خویش قرار می‌دهد تا همواره انسان به یاد خدا باشد و لحظه‌ای از لطف و توجهات او غفلت نرزد؛ چراکه «انسان تا هنگامی که در رفاه و راحتی است، در اندیشه بندگی خدا و توجه به او نمی‌باشد. اما خداوند از شدت عنایت و کرم، وی را گرفتار می‌کند تا در کمال درماندگی و بیچارگی خدا را به فریادرسی بخواند. باید کار او به مرحله‌ای برسد که دیگران به فریادش نرسند و دست او از همه جا کوتاه شود تا به یاد خداوند بیفتد و با کمال عجز و بندگی او را بخواند» (همو، ۱۳۸۳ الف، ص ۱۵۸). بنابراین، سختی‌ها و بلاها در زندگی، پوچ و بیهوده و بی‌هدف نیست، بلکه امتحاناتی هستند الهی که زمینه را برای یاد خدا فراهم می‌کنند و انسان را از غفلت‌زدگی رهایی می‌بخشند.

سه. صبر

حضرت آیت‌الله مصباح صبر را حالتی نفسانی می‌دانند که برای افراد خاصی در هنگام بروز شداید، مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها رخ می‌دهد (همو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۲۰). به طوری که تمام حرکات، سکنت، افعال و تروک اخلاقی

انسان را در بر می‌گیرد (همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۷۹). صبر در فرهنگ اسلامی؛ یعنی تحمل سختی و مقاومت در برابر عاملی که می‌خواهد انسان را به باطل بکشاند، به سوی چیزی بکشاند که موجب کمال ما نمی‌شود (همو، ۱۳۹۱ ا، ج ۱، ص ۳۲۱). مفهوم «صبر»، این معنا را تداعی می‌کند که گویی عاملی انسان را به سوی می‌کشاند و او در مقابل آن، مقاومت می‌کند. این عامل ممکن است درونی باشد و یا بیرونی و عامل درونی نیز مختلف است که با توجه به آن، می‌توان اقسام سه گانه صبر را این چنین مورد تحلیل قرار داد:

اول: صبر بر مصایب و بلاها: گاهی حوادثی در خارج از وجود انسان، تحقق می‌یابد که آثار نامطلوبی در انسان می‌گذارد و او را وامی‌دارند دست به کارهایی بزند که وی را از مسیر حق، منحرف سازد. مثل اینکه مصیبتی برای شخص پیش می‌آید که موجب ناراحتی او می‌شود. در این شرایط تصمیم می‌گیرد از عامل آن حادثه، انتقام بگیرد که در این صورت، لازم است مقاومت کند، از جزع و فزع خودداری و آرامش قبلی خود را حفظ کند. این نوع مقاومت را صبر بر مصیبت می‌نامند (همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۷۹-۸۰).

دوم: صبر در انجام طاعات و وظایف: گاهی عامل درونی اقتضای سکون و ترک فعلی را دارد که انجام آن لازم است؛ چرا که انسان طبعاً راحت‌طلب است و دنبال فراغت و آسودگی می‌گردد و از زحمت و انجام کارهای مشکل‌گریزان است. از این‌رو، معمولاً، مایل نیست به کارهای سخت و توان فرسا و پرمخاطره تن دهد. این نوع مقاومت را صبر در اطاعت گویند.

سوم: صبر از معصیت‌نمودن و به گناه آلوده‌شدن: گاهی یک عامل درونی و کشش نفسانی، اقتضای نوعی فعالیت دارد و چون آن فعالیت، نامشروع است، انسان در برابر آن عامل مقاومت و از انجام آن کار و حرکت، خودداری می‌کند. این نوع مقاومت را صبر در مقابل معصیت می‌نامند.

سنت آزمایش و صبر

خداوند متعال، فقرا را به‌وسیله اغنیا امتحان می‌کند که آیا به‌سبب ثروت به کسی احترام می‌گذارند، یا به‌سبب دین؟ و آیا بر فقر خود صبر می‌کنند یا در اموالی که حق تصرف ندارند، دست‌اندازی می‌کنند؟ (همو، ۱۳۹۱ ط، ص ۵۹). حضرت آیت‌الله مصباح با اشاره به این حقیقت که نعمت‌های خدا بی‌پهوده و عبث در اختیار ما قرار داده نشده (همو، ۱۳۹۱ ه، ص ۱۹۹)، تأکید می‌کند که انسان در دنیا گاهی به داشتن مال و گاهی به نداشتن یا با از دست دادن مال آزمایش می‌شود. با داشتن مال و ثروت، آزمایش می‌شود تا معلوم شود آن را در چه راهی صرف می‌کند (همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۳۰۱). همچنین آیا قدر این نعمت‌های الهی را می‌داند (همو، ۱۳۹۱ ه، ص ۱۹۹) و با از دست دادن ثروت آزمایش می‌شود تا معلوم شود که آیا صبر می‌کند و متانت و عزت نفس خود را حفظ می‌کند و یا شکیبایی خود را از دست می‌دهد و جزع و فزع می‌کند و کارش به دیوژگی می‌کشد (همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۳۰۱). روشن است کسی که پیدایش

حوادث را تابع اراده حکیمانه خدای متعال می‌داند و پیشامدهای ناگوار و حوادث را جزیی از نظام حکیمانه جهان قلمداد می‌کند، با آغوش باز از آنها استقبال می‌کند و ملکات فاضله‌ای از قبیل صبر و توکل و رضا و تسلیم را به دست می‌آورد (همو، ۱۳۸۴ الف، ص ۱۵۶).

صبر و تکامل معنوی

رسیدن به کمال معنوی و رشد روحی، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که انسان بر روی هوای نفس خود پای بگذارد و با تبعیت محض از خواسته‌ها و فرامین الهی، در این راه صبر و استقامت پیشه نماید (همو، ۱۳۸۳ ب، ص ۶۴). اساساً صبر و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها، دارای ارزش مثبت اخلاقی است (همو، ۱۳۹۰ د، ص ۳۰۲). پیشرفت، تکامل روحی و مقامات الای انسانی، جز با صبر در برابر شداید حاصل نمی‌گردد. پس باید وظایف سخت و دشوار باشند، تا انسان با تمرین تقوا و رضامندی، به خواست الهی و صبر بر مشکلات راه تکامل را بیوید (همو، ۱۳۹۱ ز، ص ۳۳۵). خدا بسیاری از بندگانش را به سبب صبر بر گرفتاری‌ها و سختی‌های زندگی، به مقامات عالی می‌رساند (همو، ۱۳۹۰ ب، ج ۲، ص ۲۴۱). نتیجه اینکه، صبر از خصلت‌های نیکوی آدمی است که نه تنها از طریق سنت آزمایش به آن نائل می‌آید که به سایر مقامات معنوی نیز دست پیدا می‌کند.

چهار. یادآوری و قدرشناسی نعمات

بیداری حس قدرشناسی و سپاسگزاری از نعمت‌های الهی، از جمله آثار تربیتی و اخلاقی سنت آزمایش است. پیش از پرداختن به این مهم، به‌اجمال به مفهوم «شکر» اشاره می‌شود.

شکر جلوه‌ای از معرفت الهی

انسان با کسب معرفت نسبت به کسی که به او لطفی ابراز داشته و یا خدمتی ارائه نموده و نعمتی ارزانی داشته، حالتی در او پدیدار می‌شود که او را به سمت قدردانی از وی می‌کشاند. این حالت را شکر می‌نامند.

چنانچه طبق دیدگاه حضرت آیت‌الله مصباح، حالت شکر و سپاس، نخستین حالتی است که با توجه به منعم بودن خدا و شناخت او به‌عنوان ولی نعمت در انسان به وجود می‌آید. حالت شکرگزاری، میلی است فطری که هر انسانی، آن را نسبت به هر منعمی، به لحاظ انعام وی در خود احساس می‌کند و هر کسی قادر است آن را در درون خود تجربه کند؛ یعنی وقتی شخصی به شخص دیگر احسان می‌کند و نعمتی به وی اعطا می‌کند، شخص منعم در مقابل منعم خویش احساس خاصی پیدا می‌کند که منشأ شکر و سپاس وی نسبت به او می‌شود؛ به او احترام می‌گذارد؛ با زبان قدردانی می‌کند و در عمل سعی او بر این است به گونه‌ای رفتار کند که متناسب با احسان او باشد. اینها همه مراتب شکر است، اما منشأ همه، احساسی است که در دل وی پدید می‌آید (همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴).

آزمایش و قدرشناسی نعمات

تصور غالب بر این است که خداوند متعال، انسان‌ها را فقط با سختی‌ها و گرفتاری‌ها و سلب امکانات رفاهی مورد آزمایش خویش قرار می‌دهد. این که خداوند متعال بخواهد با اعطاء نعمت، بندگان خویش را در بوتۀ آزمون قرار دهد، در اذهان عموم مردم بعید به نظر می‌رسد. اما حقیقت این است که خداوند متعال، بندگان خویش را مورد آزمون قرار می‌دهد؛ حال با اعطاء نعمت، و یا با سلب نعمت.

اعطاء نعمت از جانب باری تعالی، شکر او را و در صورت سلب نعمت، صبر و شکیبایی انسان را می‌طلبد. خداوند با قرار دادن انسان بر سر دو راهی، او را می‌آزماید که آیا در مقابل نعمت، شکر به جا می‌آورد یا نه. همچنین وقتی نعمت را از او می‌گیرد، آیا صبر پیشه می‌کند یا خیر؟ این دو آزمایش هم به نفع انسان‌ها است؛ چرا که سربلند بیرون آمدن از آنها موجب سعادت ابدی ایشان خواهد شد (همو، ۱۳۹۱ه، ص ۲۰۰).

نعمت‌های خداوند آنقدر فراوان است و انسان‌ها آنچنان در آنها مستغرق هستند که وجودشان را درک نمی‌کنند و به ارزش آنها آگاه نیستند، مگر هنگامی که ابتلای سختی برایشان روی دهد و نعمت یا نعمت‌هایی از آنها سلب گردد. آنگاه متوجه می‌شوند که چنین نعمتی هم داشته‌اند، ولی قدر آن را ندانسته‌اند (همو، ۱۳۸۴ه، ص ۲۰۲). هر نعمتی که انسان از آن قدردانی نکند، از او سلب می‌شود (همان، ص ۱۸۸). بنابراین، نعمت‌های خدا بیهوده و عبث در اختیار انسان قرار داده نشده است. بلکه خداوند برای آزمایش بندگان خود، نعمت‌هایی را در اختیار آنان قرار داده است تا ببیند آیا اولاً، قدر این نعمت‌های الهی را می‌دانند (همو، ۱۳۹۱ه، ص ۱۹۹) و ثانیاً، بنگرد آیا آنها به وظیفه خود عمل می‌کنند، یا نه؟ (همو، ۱۳۸۴ه، ص ۳۸).

نتیجه‌گیری

سختی‌ها و گرفتاری‌های دنیوی بیهوده و بی‌هدف رخ نمی‌دهند، بلکه بخش قابل توجهی از آنها تحت عنوان آزمایش و امتحان تعریف می‌شوند که خداوند متعال، به‌عنوان مربی انسان‌ها، به هدف تربیت و تعالی اخلاقی، بندگان خویش را با پاره‌ای از تکالیف و دشواری‌ها می‌آزماید. در بستر آزمایش، که یک سنت عمومی است و شامل همه انسان‌ها می‌شود، انسان به خلوص می‌رسد، استعدادهايش شکوفا می‌شود و نسبت به ضعف‌ها و قوت‌هایش شناخت پیدا می‌کند و حقیقت آدمی جلوه می‌کند. اگر آزمایش نباشد، قابلیت‌ها و استعدادهاى انسان در حد بالقوه باقی می‌ماند. بنابراین، اگر انسان پیوسته خود را در امتحان الهی ببیند، با صبر و استقامت، به رشد و تکامل معنوی و قرب الهی نائل می‌آید. انسان یک موجود چند بُعدی است، نه تک بُعدی. بنابراین، برای رسیدن به سعادت ابدی، ضروری است تا همه ابعاد وجودی‌اش به مرحله‌ای از رشد و تعالی برسد. آثاری چون «شناخت خود»، «سنجش سطح ایمان» و «تنبّه و بیداری»، ناظر به بُعد بینشی انسان است. «از بین بردن روح تکبر»، «پالایش ناخالصی‌ها»، «تکامل معنوی»، «شکوفایی استعدادها» و «قرب الهی»، از آثار سنت آزمایش در بُعد گرایش‌ی انسان است. سرانجام، «توبه»، «یاد خدا»، «صبر» و «یادآوری و قدرشناسی نعمت»، مهم‌ترین آثار تربیتی و اخلاقی سنت آزمایش هستند که در بُعد رفتاری انسان ظهور و بروز می‌یابند.

منابع

- تیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶ش، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت و گوها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، چ دوم، قم، اسراء.
- داودی، محمد، ۱۳۹۱، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیر، عبدالله، ۱۳۸۴، *ترجمه الاخلاق*، ترجمه محمدرضا جباران، چ یازدهم، قم، هجرت.
- غفاری، ابوالحسن، ۱۳۸۳، *سنت امتحان در زندگی انسان*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۲الف، *آدرخشی دیگر از آسمان کربلا*، چ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۲، *کاووش‌ها و چالش‌ها*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۳الف، *به سوی تو*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۳ب، *جنگ و جهاد در قرآن*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴الف، *آموزش عقاید*، چ هفدهم، بی‌جا، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۳۸۴ب، *راهیان کوی دوست*، چ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴ج، *به سوی خودسازی*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴د، *یاد او*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۶، *خودشناسی برای خودسازی*، چ سیزدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۷، *زینهار از تکبر*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸الف، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸ب، *پیام مولا از بستر شهادت*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸ج، *رستگاران*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸د، *نقش تقلید در زندگی انسان*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹الف، *قرآن در آیین نهج البلاغه*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹ب، *عبرت‌های خرداد*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹ج، *جامی از کونتر*، چ دوازدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰الف، *به سوی او*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰ب، *بند جاوید*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰د، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰ه، *در جستجوی عرفان اسلامی*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱الف، *اخلاق در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱ح، *شکوه نجا*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱د، *پندهای الهی*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- _____، ۱۳۹۱، از، *ره توشه*، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، ط، *طوفان فتنه و کشتی بصیرت*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، م، *معارف قرآن (۱-۳)*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، ه، *پندهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، ی، *نظریه حقوقی اسلام*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۳، ج، *در پرتو ولایت*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، ه، *بر درگاه دوست*، چ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۹، د، *سیری در ساحل*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، ل، *عروج تا بی‌نهایت*، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، *توحید*، چ دهم، تهران، صدرا.
- نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۸، *معراج السعادة*، بی‌جا، پیام آزادی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی